



در واقع این بازار به عنوان حلقه نهایی تبدیل صرفه جویی به درآمد، نقش بسیار مهمی در پیشبرد طرحهای بهینه سازی ایفا کرده و خواهد کرد. این بازار بدون دخالت بخش دولتی در قیمت گذاری گواهی و بدون وابستگی به منابع دولتی برای بازپرداخت سرمایه گذاری تعریف شده و هم افزایی دستگاه های اجرایی از قبیل سازمان برنامه و بودجه، معاونت علمی و فن آوری رئیس جمهور، شرکت توانیر، سازمان ملی استاندارد، سازمان حفاظت از محیط زیست،



بزرگترین تهدید برای فضای سرمایه گذاری در همه حوزه ها از جمله بازار بهینه سازی انرژی و محیط زیست، ایجاد فضای عدم اطمینان برای سرمایه گذاری بخش خصوصی است. این فضا می تواند شامل موارد متعددی باشد؛ از پیچیدگی در صدور گواهی و بازگشت سرمایه، تا سیاست گذاری کلان بدون توجه به زیرساخت های ایجاد شده است

قابل ستایش بخش خصوصی در تعریف و اجرای پروژه ها شده، اهداف مورد انتظار محقق نخواهند شد. به عنوان مثال، همین رویکرد در نزدیک به یک سال، منجر به اصلاح بالغ بر ۷ درصد از چراغهای روشنایی در معابر کل کشور شده است که با ادامه مسیر مطابق روند قبلی، این رقم تا پایان امسال می تواند تا نزدیک به ۴۰ درصد افزایش یابد که بیانگر اهمیت و پتانسیل بالای این بازار است. از سوی دیگر طبیعتاً مانند همه پروژه های زیرساختی کشور، مباحثی مانند اولویت بخشی و کمک به ثبت سفارش، تأمین به موقع منابع ریالی و ارزی مورد نیاز برای سرمایه گذاری، اجتناب از ایجاد هیجان و شوک به زیرساخت ها و سرمایه گذاران و موارد دیگر، کمک قابل توجهی به تحقق اهداف مورد نظر خواهد کرد.

نکته مهم دیگر این است که باید انتظارات از این حوزه مشخص باشد و برنامه ریزی و تأمین منابع نیز بر همین مبنا صورت پذیرد؛ موضوعی که در سال های اخیر تلاش شده مسیر حرکت به سوی بهره وری برق براساس این برنامه کلان پیش بینی شود و از ایجاد هیجانات کاذب که موجب فرار سرمایه می گردد، خودداری شود. از سوی دیگر ایجاد بازارهای مکمل و تقویت کننده اقدام ها بهینه سازی مانند بازار کربن، که در حال حاضر در بسیاری از کشورهای پیشرفته به عنوان محرک اصلی پروژه های حوزه انرژی محسوب می شود، در کنار مشوق ها و قوانین مربوط به خود، می تواند در بهبود پارامترهای طرح از منظر اقتصادی و افزایش جذابیت های سرمایه گذاری اثرگذار باشد.

چه تهدیدهایی ممکن است سرمایه گذاری در این بازار را به مخاطره بیندازد؟

بزرگترین تهدید برای فضای سرمایه گذاری در همه حوزه ها از جمله بازار بهینه سازی انرژی و محیط زیست، ایجاد فضای عدم اطمینان برای سرمایه گذاری بخش خصوصی است. این فضا می تواند شامل موارد متعددی باشد؛ از پیچیدگی در صدور گواهی و بازگشت سرمایه، تا سیاست گذاری کلان بدون توجه به زیرساخت های ایجاد شده، از سوی دیگر باید این واقعیت را پذیرفت که پروژه های اجرایی بهره وری، به صورت گام به گام برای تحقق هدف کلان بایستی پیش بینی و اجرا شوند و هرگز نمی توان در این حوزه، به ویژه با محدودیت منابع، تحقق اهداف میان مدت را در زمان کوتاه انتظار داشت. درواقع اگر نگاه بر مبنای اعتماد و رویکرد هم افزایی میان دستگاهی و فراتر از آن، هم افزایی بخش خصوصی و بخش دولتی باشد و سیاستها براساس تقویت این زمینه و اجتناب از تکرار تجربیات شکست خورده بررسی شوند، بهینه سازی در کشور به راحتی به نتیجه دلخواه می رسد. از سوی دیگر، نگاه متضاد با آن، یعنی رویکرد بی اعتمادی و عدم اطمینان، قطعاً با شکست مواجه خواهد شد. لذا سیاست گذاری بایستی براساس شناخت درست وضع موجود، تقویت زیرساخت های موجود در کشور که برای آن هزینه شده است، و تقویت بخش اجرایی موفق، و از طرفی اجتناب از تجربیات شکست خورده قبلی، هرچند در ابتدا نوبت به نظر برسند، صورت پذیرد.

شرکت بهینه سازی مصرف سوخت، شرکت ملی گاز و وزارت نفت در کنار وزارت نیرو و ساتبا، در شکل گیری و ادامه مسیر این بازار نقش قابل ملاحظه ای دارد. ضمن آنکه تدوین و بازنگری استانداردها، هم در قالب استانداردهای تجهیزات انرژی بر و هم برای استانداردهای معیار مصرف برای صنایع و فرایندها، از اقدام ها انجام شده ای است که در بهبود رتبه انرژی تجهیزات موجود در کشور شامل محصولات تولید داخل یا وارداتی و طبیعتاً کاهش توان و صرفه جویی در مصرف انرژی نقش قابل ملاحظه ای دارند.

چه اقدامها و اولویتهایی می تواند به تحقق اهداف در این حوزه و تسریع در اجرای پروژه ها کمک کند؟

با توجه به اینکه انتظار می رود بخش خصوصی بازیگر مهمی در بازار بهینه سازی انرژی باشد، مهمترین نکته در پیشبرد موارد در این حوزه، اعتماد سازی بین کلیه بازیگران است؛ بدون این اعتماد، که با رویکرد دو سال گذشته در وزارت نیرو و با هم افزایی ایجاد شده در مجموعه دستگاه های متولی از جمله بورس انرژی، به خوبی ایجاد گردیده و منجر به حضور پررنگ و

هم منجر به افزایش سرمایه گذاری و هم تأخیر در اجرای پروژه می شوند، در بهره وری معنایی ندارند. از منظر سرمایه گذاری نیز بسیاری از پروژه های بهینه سازی نه تنها نیاز به سرمایه گذاری کمتری دارند، بلکه وابستگی کمتری به منابع ارزی داشته و در ایجاد اشتغال و تولید در داخل کشور بسیار مهم هستند. ضمن آنکه تحقق نتایج مورد انتظار، در طول پیشرفت پروژه مشاهده می شود؛ مثلاً با تغییر موتور هر کولر آبی قدیمی به BLDC، حتی یک دستگاه، نتیجه مورد انتظار در صرفه جویی در مصرف برق و کاهش مصرف آب، از نگاه کلی و از نگاه مصرف کننده، براحتی قابل مشاهده خواهد بود.

با توجه به این ویژگی ها در حوزه بهینه سازی مصرف چه اقدامهایی انجام شده است؟

براساس تجربیات قبلی ایجاد تحول در حوزه بهره وری نیاز به ایجاد یک زیرساخت متفاوت داشت که با افتتاح بازار بهینه سازی انرژی و محیط زیست در آذرماه سال ۱۴۰۳ توسط وزیر نیرو با رویکرد سرمایه گذاری بخش خصوصی و بازگشت اصل سرمایه و سود از محل صرفه جویی حاصله، این زیرساخت تحول آفرین ایجاد شد.

